

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم جیرفت - 17 / اردیبهشت / 1384

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبيتنا ابي القاسم المصطفى محمد و علي اله الأتبيين الأطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين المكرمين سيما بقية الله في الأرضين.

براي اين بنده ي خدمتگزار، حضور در شهر جیرفت و در میان شما مردم پُرشور جیرفت و عنبرآباد، لحظه ي بسیار هیجان انگیزی است. سالها تمایل شدید قلبی داشتم که بار دیگر در جمع شما مردم عزیز و میهمان نواز حضور پیدا کنم. تقریباً بیست و هفت سال قبل در یک روز گرم تابستانی بنده با چند مأمور ژاندارمری وارد شهر جیرفت شدم. در شهر هیچ کس را نمی شناختم. در ابتدای ورود، مأموران، بنده را به شهربانی جیرفت راهنمایی کردند. با این وضعیت وارد جیرفت شدم؛ اما هنوز چند روزی از ورود من به این شهر نگذشته بود که احساس کردم در میان خویشاوندان، برادران و عزیزان خود هستم. مردم جیرفت آغوش محبت خود را روی این بنده ي ضعیف و دیگر افرادی که آن روز در این شهر به وسیله ي رژیم طاغوت تبعید شده بودند، باز کردند و همراهی و همدلی و حمایت خود را نسبت به کسانی که آنها را سربازان راه حق و حقیقت می دانستند، مبذول کردند. البته آن روز شهر جیرفت به این بزرگی و زیبایی نبود؛ شهر کوچکی بود با خیابان های معدود؛ ولی دریایی از محبت و صمیمیت در این شهر موج می زد. ماه رمضان، در گرمای تابستان، این مسجد جامع جیرفت زنان و مردان و جوانان بسیاری را به سمت خود جذب می کرد تا بتوانند حقایق را از زبان طلبه های تبعیدی بشنوند. من خودم آن شبها در مسجد جامع جیرفت چندین سخنرانی کردم. مأموران رژیم طاغوت مانع بودند، اما شوق و علاقه ي مردم این مانع ها را برمی داشت. بنده لازم می دانم بخصوص از بانوان شجاع و آگاه و هوشمند جیرفتی یاد کنم. در همان جلساتی که با سایر دوستان تبعیدی در مسجد جامع شرکت می کردیم و مردم می آمدند، اولین شعار انقلابی و فریاد اعتراض علیه رژیم طاغوت، از پشت پرده يی که زنها نشسته بودند، بلند شد. زنهای جیرفتی، آن روز همان شعارهایی را در مسجد خودشان با صدای بلند تکرار کردند که مردم قم و تهران و سایر شهرهای مرکزی کم و بیش آن شعارها را می دادند. مردم این منطقه، مردمی مؤمن، وفادار و از بن دندان معتقد به دین و ولایت بوده اند؛ مردمی که در سالهای انقلاب و همچنین در طول سالهای جنگ تحمیلی بهترین امتحان ها را دادند. مردم جیرفت، عنبرآباد، کهنوج و منوجان - که من همین جا از مردم کهنوج و منوجان عذرخواهی می کنم که علی رغم تمایل قلبی ام، امکان نداشت به شهر آنها بروم و در میان آنها حاضر شوم - در طول سالهای انقلاب و جنگ تحمیلی یکی از بهترین امتحان های خود را در راه خدا دادند. احساسات پاک مذهبی در جیرفت، جزو نقاط برجسته و درخشان است. سرداران شهیدی که از این سرزمین برخاستند و افتخار آفریدند، هر کدام ستاره يی درخشانی هستند. جمعی از بهترین سرداران لشکر پُرافتخار ثارالله جزو مردم شما و جوانان شما بودند؛ بعضی شهید شدند، برخی هم با کوله باری از افتخار و حسنات معنوی و الهی، بحمدالله در حال حیاتند. فعالیت های قرآنی و مذهبی در این شهرستان چشمگیر است. هرچه من درباره يی مردم جیرفت و این منطقه در ذهن دارم، همه خاطرات نیک و یادهای زیبا و فراموش نشدنی است.

آنچه شما مردم مؤمن و دارای عزم و اراده را در این میدان نگه داشته است، آگاهی است. ملتی که آگاه باشد، دغدغه يی اهداف والای او نمی گذارد از صحنه يی زندگی پا عقب بکشد.

برادران عزیز! خواهران عزیز! اگر شما می بینید ملت ایران در طول یکی دو قرن از کاروان علم و تمدن عقب افتاد و کشور به دست بیگانگان و دشمنان یا دست نشانندگان آنها اداره شد، منشأ این همه، ناآگاهی بود. ملت و جوانان و قشرهای مختلف را در بی خبری و ناآگاهی نگه می داشتند تا نفهمند بر سر کشور چه دارد می آید. کسانی که اگر به نقطه يی از دنیا نگاه می کنند، جز نگاه طمعگارانه نیست - یعنی استعمارگران - در طول دو قرن در سرتاسر کشور ما به دنبال منافع و اهداف شیطانی خودشان هر کاری توانستند، کردند و برای این که مانعی بر سر راه آنها نباشد، مردم را در غفلت نگه داشتند. خود بیگانگان نمی توانند مردم را غافل نگه دارند؛ ابزار آنها در این کار، حکومت های

وابسته و فاسد بود؛ حکومت قاجار و حکومت پهلوی. اینها اگرچه از مردم ایران بودند، اما شریک دزدان راه بودند؛ اگرچه خودشان وابسته ی به این ملت و مرهون بار سنگین منت این مردم بودند، اما برای بیگانه کار می کردند. بیگانه هم منافع آنها را تضمین کرده بود؛ قاجاریه یک طور منافع اش به وسیله ی بیگانگان تضمین می شد، حکومت منحوس و وابسته و فاسد پهلوی هم یک طور دیگر. مردم را ناآگاه نگه داشتند و هر کاری می توانستند، با این مردم کردند.

انقلاب اسلامی و نهضت وسیع مبارزات اسلامی در ایران به رهبری امام بزرگوار ما و روحانیون آگاه و مبارز و روشنفکران مؤمن و متدین توانست موج بیداری را در این کشور به وجود بیاورد، که منتهی شد به حرکت انقلاب. انقلاب یک ملت چنان قدرتی دارد که مستحکم ترین دژهای استکبار را درهم می شکند، و شکست. انقلاب اسلامی دژ استبدادی رژیم پهلوی را که پشت به قدرت استعماری آمریکا و انگلیس داشت، از بین برد و به دنبال آن، لذا حکومت مردمی و اسلامی به وجود آمد. جمهوری اسلامی را شما مردم به وجود آوردید. جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که خارجی در آن دخالت نمی کند؛ خودرأیی و استبداد بر آن حاکمیت ندارد؛ طبقه ی ویژه ی اشراف در آن دخالت نمی کند؛ خان سالاری در امور مردم دخالت نمی کند. روزی که ما در جیرفت بودیم، مردم از خان ها می نالیدند. خان ها آلت دست رژیم منحوس پهلوی بودند؛ آنها هم آلت دست آمریکا بودند؛ یعنی سلسله مراتب فساد وجود داشت!

جمهوری اسلامی، یعنی نظامی که در آن، دربار حکومت طاغوت نیست؛ دخالت بیگانه نیست؛ دخالت خان و خان زدگی نیست؛ حکومت مردم و شایستگان است. در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله مراتب حکومتی، تابع صلاحیت هاست. هر که صلاحیت دارد، باید در میدان های فعالیت و تلاش و مسؤولیت جلو برود؛ از هر نقطه ی کشور و از هر قشر اجتماعی باشد؛ و همه ی اینها با هدایت اسلام و الهام گیری از متون الهی و قرآنی صورت می پذیرد. این، معنای نظام جمهوری اسلامی است. فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف، و امتیاز دادن به یک قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست. هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه یی از نقاط اگر به یکی از این آفت ها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی خارج شده و باید اصلاح شود.

سرافرازی و سربلندی، بسته به تلاش و کار و مجاهدت است. یکی مثل شهید محمد شهبسواری - آزاده ی سرافراز جیرفتی - به یک چهره ی ماندگار در کشور تبدیل می شود؛ نه به خاطر این که وابسته ی به یک قشر برتر است؛ نه، او یک رعیت زاده و یک جوان برخاسته ی از قشرهای پایین اجتماع است؛ اما آگاهی و شجاعت او، او را در چشم مردم ایران عزیز می کند. آن روزی که ماها پای تلویزیون نشسته بودیم و دیدیم این جوان در چنگ دژخیمان رژیم بعثی صدام و زیر شلاق و تازیانه ی آنها فریاد می زند «مرگ بر صدام، ضد اسلام»، نمی دانستیم ایشان جیرفتی است؛ نه اسمی از او شنیده بودیم و نه خصوصیتی از او می دانستیم؛ اما همه ی وجود ما غرق تعظیم و تجلیل از این جوان آزاده شد. بعد هم بحمدالله به میان مردم و کشور ما برگشت؛ امروز هم به عنوان یک شهید نامدار و نام آور در میان ملت ما مشهور است. بنابراین در نظام جمهوری اسلامی، تعیین کننده ی رتبه ی انسانها، ارزشهای معنوی است؛ «انّ اکرمکم عندالله اتقیکم». همه ی دلها باید با اتکال به خدا در این جهتگیری همدل شوند. نظام جمهوری اسلامی، نظامی است برای مردم و برای رفع گرفتاری ها و مشکلات مادی و معنوی انسانها. نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که باید در زیر سایه ی پُرمهر آن هرگونه ناکامی و تلخکامی از قشرهای محروم برطرف شود و فاصله ی بین قشرهای مختلف جامعه کم گردد؛ یعنی قشرهایی که از لحاظ سطح زندگی پایین اند، بالا بیایند. ما نمی توانیم ادعا کنیم به این مقصود رسیده ایم. ما نمی توانیم خود را راضی و قانع کنیم که توانسته ایم هدف اسلام را در این باره برآورده کنیم و به آن دست یابیم. همین اندازه ادعا می کنیم و خدا را سپاس می گوئیم که در این راه حرکت می کنیم؛ هدف ما این است.

مسؤولیت رهبری در نظام جمهوری اسلامی این است که مراقب باشد نگذارد جهتگیری نظام اسلامی تغییر کند و از سمت هدفها منحرف شود. دست اندرکاران اجرایی کشور در بخشهای مختلف، هر کدام وظایفی دارند. ما باید

نگذاریم نظام جمهوری اسلامی از این جهتگیری زاویه پیدا کند و منحرف شود. خدا و مردم و اراده ی مردم هم مورد انکاء است. در درجه ی اول هدایت و دستگیری الهی، و بعد عواطف پُرشور مردم به ما نوید می دهد که می توانیم در این راه پیش برویم.

در جبرفت کارهای زیادی صورت گرفته است. کسانی که آمارها را درست مطالعه کنند و وضع قبل از نظام جمهوری اسلامی را در این منطقه بدانند، می دانند چقدر تلاش شده است؛ اما کافی نیست.

دو چیز درباره ی جبرفت همیشه من را به فکر فرو می برد: یکی استعدادهای طبیعی و کشاورزی فوق العاده و کم نظیر و بعضاً بی نظیر در این منطقه است؛ یکی هم فقر و محرومیت زیادی که هنوز در این منطقه وجود دارد و غیرطبیعی است. استعداد طبیعی و فقر غیرطبیعی همیشه ذهن بنده و خاطر هر دلسوزی را به خود مشغول می کند. البته خشکسالی های پی در پی تأثیر زیادی داشته است. خشکسالی، هفت سال، هشت سال به این مردم خیلی صدمه زد، که امیدواریم این دوره تمام شده باشد. امسال بارندگی نسبتاً خوب بود؛ ان شاءالله سالهای بعد هم به حول و قوه ی الهی و بفضل الهی وضع بارندگی خوب باشد و مقداری جبران شود؛ اما تلاشهای دیگری هم در کنار این لازم است که باید صورت بگیرد.

به نظر من مهمترین مسائل این منطقه، سه موضوع است: یکی مسأله ی اشتغال جوانان است؛ یکی مسأله ی امنیت است؛ یکی هم مسأله ی فعالیت های فرهنگی مؤثر و نوین و همه جانبه است. این، سه سرفصل عمده است که همه ی فعالیت ها برای این منطقه ی از استان کرمان باید متوجه به این سه سرفصل باشد. اگر مسأله ی راه و صنایع تبدیلی و مقاوم سازی خانه ها و ساخت وسازهای لازم و ضروری در بخشهای مختلف مطرح است، همه باید متوجه به این سه هدف اصلی باشد. در مذاکره ی با مسؤولان احساس می شود که به این نکات توجه کرده اند؛ لذا همت و تلاشی لازم است. در مجموعه برنامه های دولتها و قوه ی مجریه، این گونه مسائل که به متن زندگی مردم در بخشهای مختلف ارتباط پیدا می کند، باید در درجه ی اول قرار بگیرد. هر کاری در کشور صورت می گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم - نه بخشی از مردم و قشرهای خاص - باشد. در چنین فضایی است که مردم می توانند به اهداف والای نظام اسلامی - یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی - دست پیدا کنند؛ فضایی که خیرات جامعه به نحو صحیح میان مردم تقسیم شود؛ هر کس استعداد خود را به صحنه بیاورد و بهره ی آن را ببرد و نظام و حکومت مراقب باشد که هم به کسی ظلم نشود و هم هیچ کس محروم نماند. معنای ریشه کنی فقر این است. درباره ی دولتهای جمهوری اسلامی اینها را باید ملاک قرار داد. چند هفته ی دیگر انتخابات داریم؛ این انتخابات، مهم است. من در سفر کرمان هم درباره ی انتخابات مطالبی عرض کردم. برادران و خواهران عزیز! این انتخاب، مهم است. این سخن در واقع خطاب به همه ی ملت ایران است. اصل حضور مردم در صحنه ی انتخابات مهم است؛ زیرا مشارکت عمومی نشان دهنده ی همبستگی ملی است و همبستگی ملی می تواند در مقابل توطئه های دشمنان به کشور مصونیت ببخشد. دشمن از اختلافات سود می برد و از تشتت آراء مردم سوء استفاده می کند. دشمن از دودستگی ها و فتنه گری ها و جنگ افروزی های داخل کشور استفاده می کند. وقتی یک ملت یکپارچه و یکدست باشد و مسؤولان کشور همه با یکدیگر همدل و همراه باشند، شمشیر دشمن کند می شود و جرأت نمی کند به چنین کشور و ملتی نظر بد بیندازد و با او به چشم توطئه نگاه کند. مشارکت مردم در امر انتخابات می تواند این همبستگی ملی را در مقابل چشمان دشمن عنود و حيله گر به نمایش بگذارد و به ملت و کشور ما مصونیت ببخشد. لذا من بارها گفته ام که اصل حضور مردم در انتخابات، حتی از انتخاب اصلح هم مهمتر است؛ اگرچه انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد.

اصلح یعنی چه کسی؟ یعنی کسی که همین هدف ها را دنبال کند؛ یعنی کسی که همین دردها را بداند و حس کند؛ یعنی کسی که برای ریشه کنی فقر و فساد عزم جدی داشته باشد؛ یعنی کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف دل بسوزاند. اصلح کسی است که هم به ترقی و پیشرفت کشور و توسعه ی اقتصادی و غیراقتصادی بیندیشد؛ هم زیر توهمات مربوط به توسعه، آن چنان محو و مات نشود که از یاد قشرهای مظلوم و ضعیف غافل بماند. اصلح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم و دنیا و آخرت مردم باشد. اصلح کسی

است که بتواند این بار عظیم را بر دوش بگیرد؛ هر کسی نمی تواند این بار را بر دوش بگیرد؛ نشاط و حوصله و همت و قدرت لازم و هوشمندی لازم دارد. البته هر کس صلاحیتش در مراکز قانونی تأیید شود، صالح است؛ اما باید در بین صالح ها گشت و صالح تر را پیدا و او را انتخاب کرد. این، هنر شما مردم است.

امیدوارم ان شاءالله با تشکیل یک دولت قوی و کارآمد و با کفایت، راهی را که دولت های قبل با دلسوزی و پشتکار رفتند، با قوت هرچه بیشتر ادامه دهد و مشکلات این منطقه و استان کرمان و همه ی کشور ایران عزیز - بخصوص مناطق محروم - را برطرف کند. این، چیزی است که ملت ما از اسلام عزیز انتظار دارد؛ به آن دل بسته و امید بسته است و به حول و قوه ی الهی این امید مردم در سایه ی اسلام و مردان مؤمن و با عزم و مسلمان برآورده خواهد شد. خدای متعال را سپاس می گویم که به من توفیق داد تا بار دیگر به این شهر عزیز - که روزگاری با آن گرمی و مهربانی از من میهمان نوازی کرد - بیایم و بار دیگر با شما مردم عزیز در این شهر دیدار کنم. البته آن روز بعضی از شما جوانان عزیز نبودید، بعضی هم خیلی کوچک بودید؛ اما از آن قدیمی ها کسانی هستند که آن روزها را به یاد دارند و تلخی دوران حاکمیت طاغوت در ذائقه ی آنها هست. امیدواریم به فضل پروردگار شیرینی حاکمیت نظام اسلامی را هم بیش از آنچه تا کنون چشیده اند، بچشند و مشمول ادعیه ی زاکیه ی حضرت بقیةالله باشند.

پروردگارا! قلب مقدس امام زمان را از ما و از همه ی این جمعیت راضی و خشنود کن. پروردگارا! روح ملکوتی امام بزرگوار ما را با اولیائش محشور کن. پروردگارا! شهدای عزیز این مرز و بوم، شهدای عزیز جیرفت و این منطقه را با شهدای صدر اسلام محشور کن. پروردگارا! از جمع حاضر، سلام و درودی به روح پُرفروش آنها برسان. پروردگارا! این مردم صبور و وفادار و بامحبت و مؤمن و بااخلاص را مشمول رحمت و برکات و تفضلات خود قرار بده. پروردگارا! توفیق خدمتگزاری به این مردم عزیز را به ما و دیگر مسؤلان عنایت کن.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته